

زورگیری و آزار سایبری: تاریخچه، آمار، قانون، پیشگیری و تجزیه و تحلیل

ریچارد دانگان

ترجمه‌ی سیروان قوامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

چکیده

زورگیری از زمان تأسیس این کشور در جامعه آمریکا ریشه دوانده است. زورگیری که برگرفته از یک اقتصاد سرمایه داری و سلسله مراتب اجتماعی رقابتی است، در طول سال‌ها موضوعی مرتبط باقی مانده است. زورگیری تکنولوژیک که امروزه به عنوان آزار سایبری شناخته می‌شود، اجازه داده است که مشکل گسترش یابد، مبهم‌تر شود و حتی تعریف آن سخت‌تر شود. تجزیه و تحلیل کاملی از مطالعات موردی مختلف، تحقیقات آماری، پرونده‌های حقوقی و مقالات خبری برای درک موضوع آزار اینترنتی و یافتن اقدامات پیشگیرانه ای که باید انجام شود، انجام شد. این مقاله وضعیت پس‌زمینه، مبارزات قانونی کنونی، پیامدهای بالینی، و گام‌های پیشگیرانه بالقوه در مورد زورگیری و آزار سایبری را به طور یکسان روشن می‌کند. بچه‌های مدرسه هر روز مهارت‌ها و درس‌های ارزشمندی را از معلمان خود و همچنین از طریق تعامل با همسالان خود می‌آموزند. اگرچه مدرسه، بدون شک، برای جوانان آمریکایی مفید است، اما تجربیاتی مانند زورگیری وجود دارد که ممکن است بر این کودکان تأثیر منفی بگذارد و تا آخر عمر با آنها همراه باشد.

برخی از کودکان از طریق زورگیری دیگران راهی برای ناامیدی خود پیدا می‌کنند. در گذشته، این اقدامات را می‌توان بهتر کنترل کرد، زیرا محدود به تعاملات چهره به چهره بود. با این حال، در سال‌های اخیر، این درگیری دیرینه با سرعت تحولات فناوری مطابقت داشته و مهار آن را خطرناک‌تر و سخت‌تر کرده است. تلفن‌های همراه، سایت‌های رسانه‌های اجتماعی، اتاق‌های گفتگو و سایر اشکال فناوری به زورگیری اجازه داده‌اند تا در فضای مجازی گسترش یابد. این شکل جدید سوء استفاده به عنوان آزار سایبری شناخته می‌شود.

مقاله تحقیقاتی زیر بر روی زورگیری سنتی و زورگیری سایبری تمرکز دارد. این مقاله اطلاعات پس‌زمینه‌ای در مورد زورگیری ارائه می‌کند، مشکل را تعریف می‌کند و در کجا متمرکز است، به مسائل بالینی و قانونی که هر دو شکل زورگیری را احاطه می‌کنند، نگاه می‌کند و برنامه‌های پیشگیرانه احتمالی را مورد بحث قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: زورگیری، آزار سایبری، اینترنت

مقدمه و طرح مسئله

کلمه "زورگیر" را می‌توان تا دهه ۱۵۳۰ ردیابی کرد. (هارپر، ۲۰۰۸: ۳۶). در ابتدایی‌ترین معنای آن زورگیری شامل دو نفر، یک زورگیری یا مرعوب کننده و یک قربانی است. زورگیری از طریق فیزیکی کلامی یا ابزارهای دیگر برای به دست آوردن حس برتری و قدرت قربانی را آزار می‌دهد. این اقدامات ممکن است مستقیم (یعنی ضربه زدن، تهاجم کلامی رودررو و غیره) یا غیرمستقیم (یعنی شایعات، شایعات و غیره) باشد.

ریشه‌های زورگیری

میل به زنده ماندن غریزی و در بین همه موجودات رایج است. بقا به دلیل انبوه گونه‌ها و منابع طبیعی محدود روی کره زمین مستقیماً با رقابت مرتبط است. از آغاز زمان، یک انگیزه دائمی برای بهتر کردن دیگران و غلبه بر موانع وجود داشته است. این غریزه بقا، همراه با فضای رقابتی، همانطور که نژاد بشر تکامل یافته است، باقی مانده است. هر دوی این نیروها به عرصه‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی سرآزیر شده‌اند. این سلسله مراتب رقابتی، اگرچه در بیشتر جوامع رایج است، اما در فرهنگ‌ها بسته به سیستم‌های اخلاقی، سنت‌ها و نوع کنترل اعمال شده توسط دولت متفاوت است. متأسفانه، جامعه سرمایه داری ایالات متحده به طور ناخواسته این باور را ایجاد می‌کند که موفقیت و ثروت دست به دست هم می‌دهند. این ایدئولوژی کشوری را شکل داده است که در آن زورگیری ناخواسته به عنوان یک تاکتیک بقا از سنین بسیار پایین القا می‌شود.

از زمانی که یک کودک آمریکایی وارد مدرسه ابتدایی می‌شود، به او آموزش داده می‌شود که بهترین باشد. این درس به ظاهر بی‌گناه می‌تواند با رشد کودک در طول تحصیل خود شکل بگیرد. دانش‌آموزان اغلب روش‌های فاسد برای پیشروی در محیط‌های آموزشی و اجتماعی بسیار رقابتی که مدرسه ابتدایی ارائه می‌دهد، یاد می‌گیرند. این تاکتیک‌های زورگیری ممکن است شامل تحت فشار قرار دادن دیگران برای پاسخ دادن به تکالیف برای دستیابی به نمرات بالاتر باشد، که منجر به فرصت‌های بهتر در دانشگاه می‌شود، یا شایعات اجتماعی در مورد هم‌دانش‌جویان پخش می‌کند. این تاکتیک‌ها خطرناک هستند زیرا زمانی که دانش‌آموز به اثربخشی آنها پی برد، ممکن است از آنها سبک زندگی بسازد. توسعه استفاده همیشگی از تاکتیک‌های زورگیری می‌تواند منجر به تأثیر منفی بر تعداد بی‌شماری از مردم و همچنین فساد در محل کار شود.

زورگیری سنتی در مقابل زورگویی سایبری

پیشرفت فناوری اغلب با پیشرفت جوامع انسانی برابری می‌کند. نوآوری‌های محوری، مانند اینترنت، برای همیشه نحوه تعامل افراد را تغییر داده است. اگرچه این تحولات به نسل بشر اجازه داده است تا در بسیاری از زمینه‌ها گام‌های بلندی بردارد، اما همچنین اجازه داده است که اشکال تجاوز گسترده‌تر و گسترده‌تر شوند. این

امر با در نظر گرفتن اینکه چگونه زورگیری سنتی به موضوعی تبدیل شده است که امروزه به عنوان آزار سایبری شناخته می‌شود، آشکار می‌شود. در حالی که زورگیری و زورگیری سایبری اغلب از نظر شکل و تکنیک مشابه هستند، تفاوت‌های زیادی نیز دارند. برخلاف زورگیری سنتی، زورگیری سایبری به مجرم اجازه می‌دهد تا هویت خود را در پشت رایانه پنهان کند. این ناشناس بودن، ضربه زدن به قربانی را بدون نیاز به دیدن واکنش فیزیکی قربانی برای مجرم آسان‌تر می‌کند. تأثیر فاصله‌گذاری که دستگاه‌های فناوری بر جوانان امروزی دارند، اغلب آنها را به گفتن و انجام کارهای ظالمانه‌تر در مقایسه با آنچه در یک موقعیت سنتی زورگیری رو در رو معمول است، سوق می‌دهد.

یک تحول تکنولوژیکی

با پیشرفت تکنولوژی، زورگیری نیز افزایش یافته است. با ظهور اینترنت، اتاق‌های گفتگو به زودی دنبال شد. انجمن‌های آنلاین بستری برای تجاوز جوانان به یکدیگر فراهم کردند (Subrahmanyam & Greenfield, 2008). اتاق‌های چت توسط AOL Instant Messenger (AIM) تکمیل شد، یک برنامه ارتباط آنلاین که به نوجوانان اجازه می‌دهد ساعت‌ها با یکدیگر در مکالمات خصوصی، یک به یک یا در اتاق‌های چت عمومی صحبت کنند. این برنامه همچنین به جوانان اجازه می‌دهد تا اتاق‌های گفتگوی گروهی خاص ایجاد کنند. این انجمن انحصاری به جوانان اجازه داد تا با گروه‌های منتخبی از دوستان دور هم جمع شوند و در مورد آخرین شایعات صحبت کنند.

نوآوری‌های آنلاین به دلیل پیشرفت‌های مخابراتی ادامه یافته است. ظهور تلفن‌های همراه در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ نحوه ارتباط مردم را تغییر داد (شیلز، ۲۰۰۳: ۵۲). با این حال، این دستگاه‌های ارتباطی قابل حمل تا زمان ظهور نسل دوم تلفن‌های شبکه دیجیتال در دهه ۱۹۹۰، گسترش زیادی پیدا نکردند یا در دست اکثریت جوانان قرار گرفتند. پس از آن، آنها مانند آتش گسترش یافتند. بر اساس مطالعه‌ای که توسط مرکز تحقیقاتی پیو انجام شد، ۷۵ درصد از نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله صاحب تلفن همراه هستند که از ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است و از هر سه نوجوان، یک نوجوان ۳۰۰۰ پیامک در ماه ارسال می‌کند (لنهارت، ۲۰۱۰). اگرچه بسیاری از والدین بر این باورند که به دلایل محافظتی برای فرزندشان تلفن همراه می‌خرند، اما ممکن است عکس این موضوع صادق باشد زیرا بسیاری از جوانان اذعان می‌کنند که از تلفن‌های خود به عنوان ابزاری برای آزار و اذیت سایبری استفاده می‌کنند. پیشرفت بیشتر در اینترنت باعث ایجاد وب سایت‌های بیشتر و بیشتر شد و با ظهور رسانه‌های اجتماعی همراه شد. سایت MySpace اغلب پیشگام رسانه‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. MySpace به کاربران اجازه می‌دهد تا پروفایل‌های منحصر به فرد خود را ایجاد کنند و در فضای مجازی با دوستان و دشمنان خود به طور یکسان تعامل داشته باشند.

انتشار آنلاین اطلاعات شخصی خطرناک است زیرا به بسیاری از افراد این امکان را می‌دهد تا در تعامل رو در رو، جنبه‌ای از شخصی را ببینند که اغلب خصوصی نگه داشته می‌شود. این آسیب‌پذیری بسیاری از نوجوانان را در موقعیتی قرار می‌دهد که قربانی یا مجرم فعال در اقدامات آزار و اذیت سایبری شرکت می‌کنند. یکی دیگر از جنبه‌های رسانه‌های اجتماعی که می‌تواند گمراه کننده و خطرناک باشد، توانایی ایجاد پروفایل‌های مستعار است. توانایی نوجوانان برای پنهان کردن هویت خود این فرصت را برای آنها فراهم می‌کند تا بدون نگرانی از عواقب، هر چیزی را به فرد دیگری بگویند. سایت‌های رسانه‌های اجتماعی، مانند فیس‌بوک و Google+، مستعد سوءاستفاده‌هایی مانند آزار و اذیت سایبری هستند.

وبلاگ نویسی ناشناس یکی دیگر از پیشرفت‌های تکنولوژیکی است که فعالیت‌های زورگیری سایبری را تقویت کرده و به بحث‌های اخلاقی دامن زده است. در سایت‌هایی مانند کالج ACB و Juicy Campus، که هر دو اخیراً به دلیل ماهیت توهین‌آمیز کلامی با مقررات سخت‌تر مواجه شده‌اند، جوانان (معمولاً در سنین دانشگاهی) می‌توانند به صورت ناشناس در یک انجمن باز وارد شوند و نظر بدهند. این انجمن شامل موضوعات خشن از "جذاب‌ترین" تا "بدترین ارتباط" بود. این سایت‌ها حتی عناوین موضوعات خاصی را نیز شامل می‌شدند که صرفاً نام یک فرد بود که افراد می‌توانستند نظرات توهین‌آمیز را تحت آن پست کنند. این سایت‌های وبلاگ‌نویسی نشان‌دهنده چشمگیرترین شکل‌های آزار و اذیت سایبری تا کنون هستند.

وضعیت آزار و اذیت اینترنتی

مطالعات نشان داده است که تعداد جوانانی که موارد زورگویی سایبری را گزارش می‌کنند بسته به تعریف اصطلاح و سن افراد مورد بررسی بسیار متفاوت است. در مطالعه زیر، سامیر هین دوجا و جاستین دلیو. به عنوان "وقتی شخصی به طور مکرر شخص دیگری را به صورت آنلاین مسخره می‌کند یا مکرراً شخص دیگری را از طریق ایمیل یا پیام متنی انتخاب می‌کند یا زمانی که شخصی چیزی را به صورت آنلاین در مورد شخص دیگری پست می‌کند که دوست ندارد" (Hinduja & Patchin, 2010c, p. 1).

قربانی شدن

بر اساس نتایج آنها، نرخ قربانیان آزار اینترنتی در چند سال گذشته متفاوت بوده است، بین ۱۸.۸ درصد در می‌۲۰۰۷ و ۲۸.۷ درصد در نوامبر ۲۰۰۹ با میانگین ۲۷.۳۲ درصد بر اساس ۷ مطالعه مختلف از مه ۲۰۰۷ تا فوریه ۲۰۱۰. نرخ جرایم سایبری در طیف وسیع تری نسبت به میزان قربانی شدن متفاوت بوده است و بین ۲۰.۱ درصد در ژوئن ۲۰۰۴ و ۱۱.۵ درصد در نوامبر ۲۰۰۹ با میانگین ۱۶.۷۶ درصد بر اساس ۷ مطالعه مختلف از ژوئن ۲۰۰۴ تا فوریه ۲۰۱۰ متغیر است. (G2010، ص ۱).

چندین نوع خاص از قربانی شدن و آزار سایبری از طریق نظرسنجی انجام شده در سال ۲۰۱۰ کشف شد. این

نظرسنجی نشان داد که بیشترین تمرکز قربانیان و جرایم آزار و اذیت سایبری به ترتیب در حوزه‌های زیر رخ داده است: نظرات متوسط یا آزاردهنده پست شده آنلاین (۱۴.۳٪، ۸.۸٪)، شایعات. آنلاین (۱۳.۳٪، ۶.۸٪)،

تهدید از طریق پیام متنی تلفن همراه (۸.۴٪، ۵.۴٪) (Hinduja & Patchin, 2010e, p.1).

یکی دیگر از عوامل مهم هندوجا و پچین این بود که یک نوجوان در درجه اول از چه نوع فناوری استفاده می‌کند. بر اساس یک مطالعه در سال ۲۰۱۰، که از نوجوانان پرسیده شد که فناوری چه نقشی در زندگی روزمره آنها ایفا می‌کند، تلفن‌های همراه (۸۳٪) بیشترین استفاده را داشته اند، پس از آن اینترنت برای کارهای مدرسه (۵۰.۸٪) و سپس فیس بوک قرار دارند.

(Hinduja & Patchin, 2010h, p. 1) (۵۰.۱٪). این به تلفن‌های همراه و اینترنت به عنوان دو رسانه

اصلی مورد استفاده برای آزار سایبری اشاره می‌کند.

آزار و اذیت سایبری بر اساس جنسیت نیز متفاوت است. بر اساس یک مطالعه در سال ۲۰۱۰ که شامل یک نمونه تصادفی از ۲۲۱۲ پسر نوجوان و ۲۱۶۲ دختر نوجوان بود، نسبت مرد به زن در سه حوزه زیر بیشترین تغییر را داشت: قربانی شدن در طول زندگی یک فرد (۱۶.۶٪ برای مردان در مقابل ۲۵.۱٪ برای زنان)، در طول زندگی یک فرد به یک جرم دروغگویی سایبری اعتراف کرد (۱۷.۵٪ برای مردان در مقابل ۲۱.۳٪ برای زنان)، و یک نظر آزاردهنده درباره خود در فضای آنلاین پست کرد (۱۰.۵٪ برای مردان در مقابل ۱۸.۲٪ برای زنان) (هندوجا و پچین، ۲۰۱۰b، ص ۱). این اطلاعات ممکن است به دلیل سکوت در میان مردان در مورد اعتراف تجربه زورگیری گذشته، جانبدارانه باشد. با این وجود، جالب است که زنان درصد بالاتری را در همه دسته‌ها گزارش کردند.

سلسله مراتب زورگیری

مانند بیشتر فضاهای رقابتی، مبارزه اجتماعی در میان جوانان امروزی دارای یک سلسله مراتب آشکار است. زورگیری جزء این سلسله مراتب است و ساختار خاص خود را دارد. به گفته دکتر دن اولوئوس، هفت سطح مختلف در نردبان زورگیری وجود دارد: دانش‌آموزانی که می‌خواهند زورگیری کنند و اقدام را آغاز کنند، پیروان یا سرسپردگان آنها، حامیان یا زورگیرهای منفعل، حامیان منفعل یا زورگیرهای احتمالی، تماشاگران غیرفعال، مدافعان احتمالی، و مدافعانی که از عمل زورگیری بیزارند و به قربانیان کمک می‌کنند (اولوئوس، ۲۰۰۱: ۱۶). برجیدن بخش تهاجمی این نردبان و سوق دادن دانش‌آموزان به یک طرز فکر بازدارنده باید بخش اساسی هر برنامه پیشگیری باشد.

دیدگاه بالینی / پیامدها

در ابتدا، ممکن است باور شود که اثرات زورگیری محدود به پاسخ‌های اولیه است که در عرض چند روز یا

حداکثر یک هفته محو می‌شوند. با این حال، تحقیقات نشان می‌دهد که آسیب‌های ناشی از زورگیری، چه فیزیکی و چه روانی، پیامدهای زیادی دارد و می‌تواند منجر به اثر گلوله برفی از احساسات دردناک پایدار و تأثیرات منفی شود.

جنسیت و زورگیری

اگرچه بسیاری از دانش‌آموزان تمایل دارند آسیب‌های عاطفی ناشی از تاکتیک‌های زورگیری مانند صدا زدن، شایعه‌پراکنی و تمسخر را انکار کنند، تحقیقات خلاف این را نشان می‌دهد. در مطالعه‌ای که از نمونه‌ای متشکل از ۳۰۰۰ دانش‌آموز استفاده کرد، محققان دریافتند که "۳۸ درصد از قربانیان زورگیری احساس انتقام می‌کنند، ۳۷ درصد عصبانی و ۲۴ درصد احساس درماندگی می‌کنند." علاوه بر این، در مطالعه‌ای که توسط مرکز تحقیقات آزار و اذیت سایبری با حجم نمونه ۴۶۸ دانش‌آموز انجام شد، مشخص شد که زنان معمولاً از نظر عاطفی بیشتر از مردان تحت تأثیر آزار اینترنتی قرار می‌گیرند. زنان در مطالعه گزارش کردند که بیشتر از مردانی که درصد کمتری را در هر دسته گزارش کرده بودند (به ترتیب ۲۷.۵٪، ۲۴.۳٪، ۱۷.۹٪) ناامید (۳۹.۶٪)، عصبانی (۳۶٪)، و غمگین (۲۵.۲٪) غمگین هستند. این تعجب آور نیست، زیرا همانطور که قبلاً ذکر شد، مردها از اعتراف به نقاط ضعف به خصوص از نقطه نظر عاطفی بی‌میل هستند. در واقع، می‌توان انتظار داشت که مردان در پاسخ عاطفی در مورد خشم و ناامیدی حداقل برابر باشند. (Hinduja & Patchin, 2009c, p.1).

سن و زورگیری

در مطالعه دیگری که توسط مرکز تحقیقات آزار و اذیت سایبری انجام شد، پیامدهای عاطفی آزار و اذیت سایبری در گروه‌های سنی مشاهده شد. این مطالعه نشان داد که خشم و ناامیدی پاسخ‌های غالب در میان دانش‌آموزان ارشد و راهنمایی باقی می‌ماند، اما دانش‌آموزان در سطح ابتدایی به احتمال زیاد در نتیجه آزار و اذیت شدن احساس غمگینی می‌کنند (Hinduja & Patchin, 2009c, p.1). این به احتمال زیاد به این دلیل است که کودکان در سنین پایین تر با همان نوع سلسله مراتب اجتماعی رقابتی که معمولاً در مدارس سطوح بالاتر یافت می‌شود، مبارزه نمی‌کنند. بنابراین، به جای احساس نیاز به اثبات خود در میان همسالان، دانش‌آموزان در سطح ابتدایی تمایل دارند تا در واکنش‌های عاطفی اولیه به زورگیری، احساس خوبی داشته باشند. این به این ایده اشاره می‌کند که بچه‌های کوچکتر ممکن است واکنش‌های عاطفی اولیه خود را به جای عمل کردن، برای خودشان نگه دارند. متأسفانه، صرف نظر از واکنش عاطفی اولیه به زورگیری، این احساسات توانایی ادامه رشد را دارند و پیامدهای بالینی جدی دارند. یک مطالعه پیمایشی فشرده در سال ۲۰۰۳، که بر روی اثرات بالینی آزار و اذیت سایبری متمرکز بود، افزایش پریشانی عاطفی را به طور خاص مرتبط با آزار و

اذیت سایبری گزارش کرد. این مطالعه با حضور ۵۱۲ متخصص از زمینه‌های روانشناسی، روانپزشکی و مددکاری اجتماعی گزارش داد که برای "یک سوم (۳۴٪) از این جوانان، مشکل اینترنت نقش اصلی را در درمان مشتری بازی می‌کند (میچل، فاینلهات و بکر- بلیز، ۱۳۸۶: ۴۸). این شواهد ثابت می‌کند که آزار و اذیت سایبری اثرات بالینی قابل توجهی بر جوانان امروزی دارد

رابرت آگنیو، جامعه‌شناس، در «نظریه فشار عمومی» خود این فرضیه را مطرح کرد که فشار و استرس وارد شده به فرد در نتیجه زورگیری «می‌تواند خود را در احساسات مشکل‌ساز که منجر به رفتار انحرافی می‌شود» نشان دهد و احتمالاً منجر به بزهکاری شود (آگنیو، ۲۰۰۶: ۶۵۹-۶۶۰). این نظریه بر چرخه معیوبی تأکید می‌کند که بسیاری از نوجوانان ممکن است در هنگام قربانی شدن از آن عبور کنند. پیامدهای چرخه‌ای این فرآیند به‌ویژه اگر قربانی را به سمت رفتارهای ضداجتماعی سوق دهد، زمانی که سعی می‌کند راهی برای احساسات خود بیابد، نگران‌کننده است. در سال ۲۰۰۱، دفتر عدالت نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری گزارش داد که «۶۰ درصد از مردانی که در کلاس‌های ۶ تا ۹ زورگیری بودند، در بزرگسالی حداقل به یک جرم محکوم شدند، در حالی که ۲۳ درصد آنها زورگیری نکردند. ۳۵ تا ۴۰ درصد از این زورگیرهای سابق تا سن ۲۴ سالگی سه یا بیشتر محکوم شدند، در مقایسه با ۱۰ درصد از کسانی که زورگیری نکردند» (اریکسون، ۲۰۰۱: ۶۵). مجرمان احتمالاً از تاکتیک‌های زورگیری به عنوان خروجی برای سایر ناامنی‌ها یا مشکلات زندگی خود استفاده می‌کنند. این استفاده از زورگیری به عنوان یک مکانیسم مقابله به ماهیت چرخه‌ای کمک می‌کند که این فرآیند آشکارا بر قربانیان و مجرمان دارد. این مکانیسم‌های مقابله‌ای معیوب نه تنها در حل پریشانی عاطفی ناشی از زورگیری شکست می‌خورند، بلکه مشکل کلی رفتار انحرافی را نیز گسترش می‌دهند. این ناتوانی قربانیان و مجرمان زورگیری در یافتن تسکین کافی برای زخم‌های عاطفی، همراه با این واقعیت که جوانان بعید به دنبال تسکین هستند.

یک مربی، توضیح می‌دهد که چرا برخی از جوانان شروع به احساس درماندگی می‌کنند. احساس از دست دادن در پریشانی عاطفی و ظاهراً هیچ راهی برای تسکین وجود ندارد، اجازه می‌دهد تا افکار خودکشی یا حتی واکنش خشونت آمیز به هشیاری جوان نفوذ کند (اریکسون، ۲۰۰۱: ۷۹).

خب همه اینها یعنی چی؟ تحقیقات تأیید می‌کند که هم قربانیان زورگیری و هم مجرمان از طریق اعمال زورگویی سایبری از نظر عاطفی آسیب می‌بینند. در یک برگه اطلاعاتی که توسط دفتر عدالت نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری تهیه شده است، تنهایی، تحقیر، و ناامنی هر یک به عنوان جلوه‌های دیگری از واکنش‌های عاطفی اولیه به فرآیند زورگیری گزارش شده است. این احساسات می‌توانند باعث ترس دانش آموزان از رفتن به مدرسه شوند. این بی‌ثباتی مداوم، سازگاری اجتماعی و عاطفی، تمرکز بر مطالعات و رشد ذهنی سالم را برای قربانیان زورگیری دشوار می‌کند. این پاسخ‌ها می‌تواند منجر به پیامدهای بالینی جدی‌تری مانند افسردگی شود که می‌تواند به مشکلات بدتر تبدیل شود (اریکسون، ۲۰۰۱: ۱-۲).

عواقب شدید زورگیری افکار خودکشی یا افکار انتقام خشونت آمیز است. بر اساس گزارش ملی آمار حیاتی، خودکشی سومین علت مرگ و میر در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله است (اندرسون و اسمیت، ۲۰۰۳: ۶۵). علاوه بر این، وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده "افزایش قابل توجهی در میزان قتل و خودکشی در بین مردان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳" گزارش کرد (فریزر، ۲۰۰۵: ۳۶). این آمار به شدت مرتبط می‌شود زیرا اطلاعات بیشتری در مورد ارتباط بین زورگویی سایبری و افکار یا اقدام خودکشی کشف می‌شود. به گفته ریگی و اسلی، «جوانانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند یا دیگران را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، در معرض خطر بالای افکار خودکشی، تلاش‌ها و خودکشی کامل هستند» (ریگی و اسلی، ۱۹۹۹: ۱۱۹). از نظر آماری، هم قربانیان آزار و اذیت سایبری و هم مجرمان، نسبت به جوانانی که تحت تأثیر قرار نگرفته‌اند، بسیار بیشتر احتمال دارد که اقدام به «زورگیری»، یعنی اقدام به خودکشی به دلیل تأثیرات زورگیری کرده باشند (های، ۲۰۰۷: ۲۸).

رویه قضایی و قانونگذاری

اگرچه همه شواهد اثرات آزار و اذیت سایبری بر جوانان امروزی را نشان می‌دهند، قانون‌گذاران در هر دو سطح ایالتی و فدرال همچنان با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنند. متأسفانه چندین مورد طول کشیده است تا قانونگذاران مجبور شوند با واقعیت تلخ شرایط کنار بیایند و برای مقابله با چنین موضوعاتی اقدام به تدوین قوانین کنند. نقض حقوق متمم اول دانش‌آموزان همان چیزی است که در ابتدا باعث ایجاد بحث‌های داغ در مورد مدارس شد که کارهایی که دانش‌آموزان می‌توانند در مدرسه یا خارج از آن انجام دهند یا بگویند. در طول تاریخ، ایالات متحده بر اساس حق عمومی برای بیان آزادانه عقاید خود شکل گرفته است. به ناچار، هنگامی که پرونده‌ای در تلاش برای محدود کردن این حقوق مطرح می‌شود، به دلیل سنت قوی اغلب طرف شاکی به سختی استدلال می‌کند. بدون محدود کردن حقوق قانون اساسی، قانون‌گذاران باید با کار دشوار تعریف زورگویی سایبری و همچنین تعیین مجازات‌های مناسب برای ارتکاب این عمل دست و پنجه نرم کنند. به همین دلیل، بسیاری از پرونده‌های مربوط به آزادی بیان در مدرسه و خارج از آن در گذشته به دادگاه عالی ایالات متحده رسیده است.

قانون فدرال

یکی از اولین مواردی که به این موضوع در محوطه مدرسه دولتی پرداخته شد، تینکر در مقابل د موین در سال ۱۹۶۹ بود (تدفورد و هربرگ، ۲۰۰۹: ۱-۴). در این مورد، سه دانش‌آموز دبیرستانی با بازوبند مشکی وارد دروازه شدند و به طور نمادین به جنگ ویتنام اعتراض کردند. مدیریت مدرسه به دانش‌آموزان گفته است که باید بازوبند را بردارند و در صورت امتناع از انجام این کار تعلیق خواهند شد. دانش‌آموزان قبول نکردند و

به خانه فرستادند. آنها با این استدلال که حقوق متمم اول آنها توسط مدرسه نقض شده است، پرونده را به دادگاه بردند. این پرونده در نهایت به دادگاه عالی ایالات متحده راه یافت. دادگاه حکم داد که هر مدرسه ای که از بیان عقیده جلوگیری می‌کند باید ثابت کند که این ممنوعیت "برای جلوگیری از دخالت اساسی در نظم مدرسه یا حقوق دیگران" اجرا شده است (هینجوا و پاتکین، ۲۰۱۱: ۷۵).

از آنجا که مدرسه نتوانست هیچ یک از این عوامل را ثابت کند، تعلیق‌ها خلاف قانون اساسی تلقی شد و دادگاه به نفع دانش‌آموزان رای داد. این مورد اولین رهنمودهایی را برای بیان اینکه مدارس دولتی می‌توانند و نمی‌توانند محدود کنند، تعیین کرد. با ادامه زمان و پیشرفت فناوری، این موضوع به این موضوع گسترش یافته است که آیا مدارس می‌توانند در فعالیتهای دانش‌آموزان در خارج از دانشگاه دخالت کنند یا نه.

J.S. v. مدرسه منطقه بیت لحم (۲۰۰۰) دانش‌آموزی را شامل می‌شود که به دلیل ایجاد صفحه ای در اینترنت که حاوی نظرات تهدیدآمیز و تحقیرآمیز در مورد اعضای اداره بود از مدرسه اخراج شد. دادگاه حکم داد که مدرسه به دلیل توانایی‌اش در اثبات اینکه اطلاعات عمومی باعث ایجاد اختلال آشکار در محیط مدرسه می‌شود، انجام اقدام را توجیه می‌کند. دادگاه عالی ایالات متحده در بیانیه پایانی خود بیان کرد: متأسفانه، در این روزگار که خشونت در مدارس رایج‌تر شده است، مقامات مدرسه باید تهدیدهای بسیار جدی علیه اساتید و سایر دانش‌آموزان را جدی بگیرند» (هریک، ۲۰۱۰: ۴۶).

چنین خشونتی در حیاط مدرسه در دبیرستان کلمباین در سال ۱۹۹۹ به این سطح رسیده بود. از طریق این موارد و موارد اخیر، دولت فدرال الزامات رفتار خارج از محوطه دانشگاه، مانند آزار و اذیت سایبری را که توسط مدرسه تنظیم می‌شود، تعریف کرده است. برای اینکه یک مدرسه اقدامی انجام دهد، باید یک اختلال آشکار در روند آموزشی یا یک تهدید واقعی وجود داشته باشد. برای تعیین اینکه آیا یک عبارت نماینده یک تهدید واقعی است یا خیر، دادگاه باید تعیین کند که «آیا یک شخص معقول [در جایگاه گوینده] پیش بینی می‌کند که بیانیه توسط کسانی که سازنده بیانیه را به آنها ابلاغ می‌کند، تفسیر شود یا خیر. ابراز جدی قصد آسیب رساندن یا حمله» (هریک، ۲۰۱۰: ۵۳). ایده مدارس دولتی محدود کردن سخنرانی دانش‌آموزان در خارج از دانشگاه بسیار مرتبط است زیرا آزار و اذیت سایبری به یک مشکل شناخته‌شده‌تر در سطح ملی تبدیل می‌شود. ادارات و جوامع مدرسه باید موارد گذشته و همچنین تعاریف قانونی فعلی را در مورد آنچه که باعث اختلال در روند آموزشی یا تهدید واقعی می‌شود در هنگام توسعه یک برنامه پیشگیرانه موثر در نظر بگیرند.

سطح ایالتی

مشابه قوانین سخنرانی و آزار و اذیت در سطح فدرال، ایالت‌های فردی همچنان با تعریف مشکل و اقدامات قانونی در هنگام وقوع تخلف دست و پنجه نرم می‌کنند. متأسفانه، برای جلب توجه دادگاه‌ها و مجالس قانون‌گذاری بسیاری از ایالت‌ها، پرونده‌های پرمخاطب و حتی برخی خودکشی‌ها لازم بود. یکی از این موارد حول حادثه ای در میسوری در سال ۲۰۰۶ بود. این پرونده که به طور رسمی به عنوان ایالات متحده در برابر لوری درو شناخته می‌شود، درگیر بود که درو و دخترش یک حساب کاربری جعلی در مای اسپیس ایجاد کردند.

نام مستعار "جاش". متهمان از این حساب برای دوست شدن با قربانی، مگان مایر ۱۳ ساله، که دختر درو با او به مدرسه می‌رفت، استفاده کردند. پس از دوست شدن با مایر، درو و دخترش شروع به ارسال نظرات نفرت انگیز برای او کردند. ایبر این نظرات را به دل گرفت و خودکشی کرد. دادگاه منطقه ای میسوری تشخیص داد که نمی‌تواند درو را مستقیماً برای آزار و اذیت منجر به مرگ مایر به دلیل شرایط خارجی و عدم احاطه قانونی مسئول بدانند.

با این حال، به دلیل اعتراض عمومی، دادستان‌های فدرال با اعمال قانون کلاهبرداری و سوء استفاده رایانه ای در پرونده، مسئولیت را بر عهده گرفتند. این عمل معمولاً برای پیگرد قانونی سرقت الکترونیکی استفاده می‌شود، اما در این نمونه برای اعمال شرایط خدمات Myspace استفاده می‌شود. این شرایط کاربران را ملزم به رعایت مجموعه ای از مقررات می‌کند، که "به ثبت نام واقعی و دقیق، خودداری از استفاده از اطلاعات مای اسپیس برای آزار و اذیت دیگران [و] خودداری از ترویج اطلاعات نادرست یا گمراه کننده" ("Unites States of America v. Lori Drew" نیاز دارند. (۲۰۰۹). بر اساس شرایط خدمات MySpace، هیئت منصفه درو را به خاطر یک جرم توطئه و سه مورد جنایت به دلیل استفاده غیرمجاز از رایانه مجرم تشخیص داد. این پرونده باعث شد تا میسوری قانون آزار و اذیت ایالتی خود را تغییر دهد تا اعمال آزار و اذیت سایبری مانند پرونده لوری درو را در بر بگیرد. اکنون قانون هرگونه ارتباط الکترونیکی را که "آگاهانه باعث ترس، قرار ملاقات یا ایجاد ناراحتی عاطفی می‌شود" ممنوع می‌کند (هندرسون، ۲۰۰۹: ۷۴).

جلوگیری

همانطور که آزار و اذیت سایبری توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند، یک تعریف جهانی در چارچوب قانون شروع به شکل‌گیری کرده است. اگرچه در تمام ایالت‌ها به رسمیت شناخته نشده است، اما یک تعریف مشترک در تطابق با شناخت گسترده‌تر مشکل، پرداختن به موضوع مبهم را کمی آسان‌تر می‌کند. مشکل این است که تکنولوژی به ناچار به پیشرفت خود ادامه خواهد داد. بنابراین، با پیشرفت فناوری، سیاست‌ها و قوانین محلی و ملی ضد زورگیری باید با سرعتی موازی به تکامل خود ادامه دهند. بسیاری از مسائلی که

دولت‌های فدرال و ایالتی در رابطه با آزار و اذیت سایبری با آن مواجه هستند، برای مدارس و جوامع در سطح محلی از طریق اجرای رویه‌هایی برای محدود کردن اثرات آزار و اذیت سایبری قابل اجتناب است.

شناخت مشکل

یکی از قابل توجه‌ترین مسائلی که باید به آن پرداخته شود، شناخت خود مشکل است. بسیاری از مردم، اعم از والدین، معلمان، یا حتی افسران مجری قانون، نمی‌دانند قوانین خاص ایالتی آنها در رابطه با آزار اینترنتی چیست. در یک نظرسنجی رسمی از حدود ۱۰۰۰ افسر، «بیش از ۸۵ درصد . . . گفت که زورگویی سایبری یک نگرانی جدی است که پاسخ مجریان قانون را می‌طلبد. ۹۰ درصد از افسران منابع مدرسه "گاهی" یا "اغلب" با یک مورد آزار و اذیت سایبری برخورد کرده بودند." اگر ایالت آنها قانونی خاص برای آزار و اذیت سایبری داشته باشد» (پچین، ۲۰۱۱: ۶۲).

این آمارها با توجه به اینکه تعداد ایالت‌هایی که قانون خاصی برای آزار و اذیت یا زورگیری ندارند را می‌توان روی یک طرف حساب کرد (HI, MI, MT, SD) و تعداد ایالت‌هایی که قوانین خاص آزار و اذیت سایبری دارند در حال افزایش است، نگران‌کننده است. هر فردی که با کودکان سر و کار دارد (مانند آموزش، تربیت، اجرای قانون، و غیره) باید قانون زورگیری یا آزار و اذیت خاص مربوط به وضعیت خود، علائم فیزیکی و عاطفی زورگیری، و طرح پیشگیری از جامعه یا مدرسه خود را بداند. از جمله نحوه برخورد با یک مشکل و گزارش آن. در کنار شناخت مشکل و توانایی شناسایی راه حل، ضروری است که به آزار و اذیت سایبری به روشی ثابت پرداخته شود. مهار مؤثر این مشکل به "یک تلاش هماهنگ و هماهنگ - اگر بخواهید - یک مشارکت - بین خانواده‌ها، مدارس، سازمان‌های جوانان و جوامع ما" نیاز دارد (مورینو، ۱۹۹۷: ۶۹). اگر جوامع و مدارس آمریکایی با یک برنامه پیشگیرانه واضح به این موضوع بپردازند که هر سطح از ممنوعیت را در یک صفحه نگه می‌دارد، کودکان به نوبه خود پیامی ثابت از سنین پایین دریافت خواهند کرد که احتمالاً به طور مؤثر طنین انداز خواهد شد. این پیام باید باعث ایجاد احساس در کودکان شود

با به تصویر کشیدن هر شکلی از زورگیری به عنوان غیرقابل قبول، با مواجهه و گزارش مشکل راحت باشید. علاوه بر این، این سازگاری در یک برنامه معین به جای تمرکز بر موارد فردی، محیط کلی را تغییر خواهد داد. طبق کتاب دوروتی اسپلیج و سوزان سوئزر، زورگیری در مدارس آمریکایی، «یک برنامه جامع. . . به طور کلی در کاهش زورگیری و افزایش ایمنی مدرسه قوی تر از تمرکز بر روی دانش آموزان است» (اسپلاگ و اسویر، ۲۰۰۹: ۷۱).

راه حل های بالقوه

دکتر دان اولوئوس که با شروع اولین تحقیق سیستماتیک زورگیری در اوایل دهه ۱۹۷۰ اعتبار دارد، عمدتاً به خاطر برنامه‌های پیشگیری از زورگیری شناخته شده است. برنامه پیشگیری از زورگیری اولوئوس، که توسط وزارت آموزش نروژ تصویب شده است، روش‌هایی را برای مقابله با زورگیری در سطوح مختلف از جمله اجزای سطح مدرسه، اجزای سطح فردی، اجزای سطح کلاس و مؤلفه‌های سطح جامعه توسعه می‌دهد. این ساختار فراگیر یک طرح منسجم ایجاد می‌کند که در آن هر سطح سطح بعدی را تقویت می‌کند. از زمان ایجاد آن، برنامه پیشگیری از زورگیری Olweus در مدارس سراسر جهان به تصویب رسیده است. با توجه به مجموعه ای از ارزیابی‌ها که شامل ۴۰۰۰۰ دانش آموز از ۴۲ مدرسه در یک دوره دو و نیم ساله بود، این برنامه موفق بود. این مطالعات موفقیت برنامه را با گزارش «کاهش ۲۰ تا ۷۰ درصدی در گزارش‌های دانش‌آموز در مورد زورگیری و زورگیری دیگران»، «کاهش در گزارش‌های دانش‌آموزی» تأیید کرد. رفتارهای ضداجتماعی، مانند خرابکاری، دعوا، دزدی، و فرار از مدرسه و «پیشرفت‌های واضح در فضای اجتماعی کلاس اتاق» (اولوئوس، ۲۰۰۵: ۳۸۹-۴۰۲).

یک طرح تحقیقاتی ترکیبی که در نوادا انجام شد، که در آن ۱۱۸ مدیر مدارس راهنمایی در مورد آزار و اذیت اینترنتی مورد بررسی قرار گرفتند، مؤلفه‌های یک برنامه پیشگیرانه موفق را شناسایی کرد. از میان افرادی که مورد بررسی قرار گرفتند، ۶۶ نفر پاسخ دادند و ۱۰ نفر موافقت کردند که در یک مصاحبه انفرادی شرکت کنند. از بین این ده نفر، سه نفر انتخاب شدند و به طور فشرده در مورد آزار و اذیت سایبری و استراتژی‌های پیشگیرانه در مدرسه خود و همچنین در مورد افکار آنها در مورد این موضوع به طور کلی مورد سوال قرار گرفتند. بر اساس نتایج مصاحبه، شش مؤلفه زیر به‌عنوان عناصر ضروری برای برنامه آزار و اذیت سایبری پیشگیرانه شناسایی شدند: «اهمیت یک روش گزارش‌دهی. ادغام برنامه درسی؛ تولیدات دانش‌آموز محور از طریق رسانه‌هایی مانند Broadcast Journal ism. تمرکز بر پیشگیری به جای صرفاً بر مجازات. اهمیت مجازات به عنوان بخشی از یک سیاست مؤثر؛ و همگامی با تغییرات در تکنولوژی» (وایزمن، ۲۰۱۱: ۶۵)

نتیجه گیری

زورگیری عمیقاً در فرهنگ آمریکایی جا افتاده است. جامعه ما اوج رقابت سرمایه داری را به تصویر می‌کشد. این جو برنده یا بمیر، فرآیند رقابتی پذیرش کالج و بسیاری از دنیای شرکت‌ها، به بسیاری از مشکلات زورگیری که امروزه با آن‌ها می‌جنگیم، کمک می‌کند. مسائل زورگیری و زورگیری سایبری فقط در کوتاه مدت قابل کنترل هستند و به دلیل اینکه چقدر در جامعه رقابتی ما عمیق شده اند، به طور کامل حذف نمی‌شوند. بیشترین پیامدهای بالینی زورگیری و زورگیری سایبری بر جوانان امروزی است. مشکل نگران کننده در

دست تأثیرات ذهنی دائمی همان چیزی است که هم قانون و هم برنامه‌های پیشگیری در تلاش برای از بین بردن آن هستند. این واقعیت که ثابت شده است که این واکنش‌های احساسی اولیه به زورگیری به هر شکلی تا حد افکار خودکشی و واکنش خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد، دلیل اصلی این است که چرا این موضوع به یک موضوع نگران‌کننده عمومی تبدیل شده است. فکر این که کودکان آنقدر درگیر زورگیری روانی می‌شوند که دست به خودکشی می‌زنند بسیار نگران‌کننده است، موضوعی که باید با آن برخورد کرد. اگرچه شاخه‌های قانون‌گذاری و قضایی در هر دو سطح ایالتی و فدرال در تطبیق قوانین برای دربرگرفتن آزار سایبری با پیشرفت فناوری با مشکل مواجه هستند، اما این اطمینان وجود دارد که این موضوع یک نگرانی مبرم است. با این حال، ناراحت‌کننده است که موارد شدیدی مانند ایالات متحده در برابر لوری درو برای ایجاد تغییر مستقیم در قانون لازم است. در حالت ایده‌آل، قوانین برای کمک به تعریف خود مشکل و ایجاد پیامدهای قضایی مناسب، مطابق با فناوری توسعه می‌یابند. هرچه بیشتر در مورد دلایل زورگیری و تاکتیک‌های خاص مورد استفاده آموخته می‌شود، برنامه‌های پیشگیری به طور فزاینده‌ای مؤثرتر می‌شوند. همانطور که قبلاً بحث شد، یک برنامه موفق نیاز به شناسایی واضح مشکل، ایجاد شناخت، و فرموله کردن روش‌های سازگار با موضوع در همه پلتفرم‌ها دارد. بزرگترین مبارزه برای پیشگیری از زورگویی سایبری در آینده تطبیق سرعت سریع نوآوری‌های تکنولوژیکی با تکنیک‌های پیشگیری مؤثر است.

منابع

منابع لاتین

- Agnew, R. (2006). *Pressured into crime: an overview of general strain theory*. New York: Oxford University Press.
- Espelage, D., & Swearer, S (2009). *Bullying in American schools: a social-ecological perspective on prevention and intervention*. Retrieved from *Berkeley Technology Law Journal*, 24(1), 659-660.
- Ericson, N. U.S. Department of Justice, Office of Juvenile Justice and Delinquency Program. (2001). *Addressing the problem of juvenile bullying (FS-200127)*. Retrieved from <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojjdp/fs200127.pdf>
- Frazier, L. (2005). *Homicide and suicide rates -- national violent death reporting system, six states, 2003*. Retrieved from U.S. Department of Health and Human Services website: <http://www.cdc.gov/mmwr/preview/mmwrhtml/mm5415a1.htm>
- Harper, D. (2008, October 10). *Online etymology dictionary*. Retrieved from http://www.etymonline.com/index.php?allowed_in_frame=0&search=bully&searchmode=none
- Henderson, A. (2009). *High-tech words do hurt: A modern makeover expands Missouri's harassment to include electronic communications*. (Master's thesis, University of Missouri) Retrieved from <http://law.missouri.edu/lawreview/docs/74-2/Henderson.pdf>
- Herbeck, D. (2010). *J.S. v. Bethlehem area school district*. Informally published manuscript, Department of Communication, Boston College, Boston, MA. Retrieved from <https://www2.bc.edu/~herbeck/cyberlaw.bethlehem.html>
- High, B. (2007). *Bullycide*. Washington: JBS Publishing.
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2009a). *Cyberbullying: a brief review of relevant legal and policy issues*. Cyberbullying Research Center.
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2009b). *Cyberbullying: cyberbullying and suicide*. Cyberbullying Research Center. *Bullying and Cyberbullying by Richard Donegan* — 41

- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2009c). Cyberbullying: emotional and psychological consequences. Cyberbullying Research Center.
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010a). Bullying, cyberbullying, and suicide. *Archives of Suicide Research*, 14 (3).
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010b). Cyberbullying by gender. Cyberbullying Research Center. Retrieved from Cyberbullying Research Center Website: http://www.cyberbullying.us/2010_charts/cyberbullying_gender_2010.jpg
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010c). Cyberbullying: identification, prevention, and response. Cyberbullying Research Center.
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010d). Cyberbullying offending. Cyberbullying Research Center. Retrieved from Cyberbullying Research Center Website: http://www.cyberbullying.us/2010_charts/cyberbullying_offender_2010.jpg
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010e). Cyberbullying victimization. Cyberbullying Research Center. Retrieved from Cyberbullying Research Center Website: http://www.cyberbullying.us/2010_charts/cyberbullying_victim_2010.jpg
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010f). Lifetime cyberbullying offending rates. Cyberbullying Research Center. Retrieved from Cyberbullying Research Center Website: http://www.cyberbullying.us/2010_charts/cyberbullying_offending_meta_chart.jpg
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010g). Lifetime cyberbullying victimization rates. Cyberbullying Research Center. Retrieved from Cyberbullying Research Center Website: http://www.cyberbullying.us/2010_charts/cyberbullying_victimization_meta_chart.jpg
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010h). Teens use of technology. Cyberbullying Research Center. Retrieved from Cyberbullying Research Center Website: http://www.cyberbullying.us/2010_charts/teen_tech_use_2010.jpg
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2011). Cyberbullying: A review of the legal issues facing educators. *Preventing School Failure: Alternative Education for Children and Youth*, 55(2), 71-78.
- Lenhart, A. (2010). Teens, cell phones, and texting. Pew Internet & American Life Project, Retrieved from <http://pewresearch.org/pubs/1572/teens-cell-phones-text-messages>
- Mario, M. (1997, March). Impact of technology on youth in the 21st century. Paper presented at The Children's Defense Fund Impact of technology on youth of the 21st century. Retrieved from <http://www.morino.org/pdf/cdf.pdf>

- Mitchell, K., Finkelhor, D., & Becker-Blease, K. (2007). Linking youth Internet and conventional problems: findings from a clinical perspective. *Crimes Against Children Research*, 15(2), 39-58.
- Olweus, D. (2005). A useful evaluation design and effects of the Olweus bullying prevention program. *Psychology, Crime & Law*, 389-402.
- Olweus, D. (2001). Peer harassment: a critical analysis and some important issues. (pp. 3-20). New York: Guilford Publications. Retrieved from <http://www.olweus.org/public/bullying.page>
- Patchin, J. (2011, September 28). Law enforcement perspectives on cyberbullying [Web log message]. Retrieved from <http://cyberbullying.us/blog/law-enforcement-perspectives-on-cyberbullying.html>
- Rigby, K., & Slee, P. T. (1999). Suicidal ideation among adolescent school children, involvement in bully-victim problems, and perceived social support. *Suicide and Life Threatening Behavior*, 29(2), 119-130.
- Shiels, M. (2003, April 21). A chat with the man behind mobiles. BBC News. Retrieved from http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/2963619.stm
- Subrahmanyam, K., & Greenfield, P. (2008). Online communication and adolescent relationships. *The Future of Children*, 18(1), Retrieved from http://140.234.17.9:8080/EPSSessionID=e8bdf326b7d3eefecf6df508ffd832a/EPHost=muse.jhu.edu/EPPath/journals/future_of_children/v018/18.1.subrahmanyam.pdf 42.
- Tedford, T., & Herbeck, D. (2009). *Freedom of speech in the United States*. (6 ed.). State College, PA: Strata Publishing Inc.
- United States Justice System, United States District Court Central District of California. (2009). *Unites states of America v. Lori Drew*. Retrieved from [website:http://online.wsj.com/public/resources/documents/0802809drewconvictionrev.pdf](http://online.wsj.com/public/resources/documents/0802809drewconvictionrev.pdf)
- Wiseman, B. (2011). *Cyberbullying in schools: A research study on school policies and procedures*. ProQuest Dissertations and Theses, Retrieved from EBSCOhost.